

آسیب‌شناسی نظام ورزش کشور (۱)

کد موضوعی: ۲۷۰

شماره مسلسل: ۹۷۹۵

مرداد ماه ۱۳۸۸

دفتر: مطالعات فرهنگی

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	مقدمه
۳	۱. ورزش در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی ایران
۴	۲. ورزش پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران
۱۰	۳. موارد اصلی آسیب‌دیدگی ورزش کشور
۱۸	۴. سایر عوامل آسیب‌رسان به ورزش کشور
۲۰	جمع‌بندی
۲۲	پیشنهادها
۲۴	منابع و مآخذ



آسیب‌شناسی نظام ورزش کشور (۱)

چکیده

در این گزارش سعی شده است مختصری از وضعیت ورزش کشور در سال‌های قبل از انقلاب تشریح و به انتقال آثار منفی آن به نظام جمهوری اسلامی ایران اشاره شود. همچنین آثار جنگ تحمیلی بر ورزش که مانع از برنامه‌ریزی و توسعه هشت‌ساله شد، یادآوری شده و وضعیت ورزش در چهار برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور مورد بررسی قرار گرفته است. خوشبختانه در برنامه‌های مذکور، ورزش همواره مورد توجه و عنایت مسئولان و مجلس شورای اسلامی قرار گرفته و با تدوین اهداف و سیاست‌ها و راهکارهای مشخص سعی شده است تا با رفع موانع و کاستی‌های مختلف و با توجه به اصول و ارزش‌های اسلامی در زمینه‌های مورد نیاز توسعه مانند رشد ورزش مدارس، ورزش بانوان، ورزش قهرمانی، ورزش همگانی، ورزش‌های بومی و محلی و همچنین علمی کردن ورزش و ایجاد اماکن ورزشی در سطح کشور، برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری لازم صورت گیرد و برنامه‌های اجرایی آن تدوین و اعتبارات بخش ورزش نیز از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار شود. اگرچه برای دستیابی به اهداف نیز گام‌های مؤثری برداشته شده است، لکن این گام‌ها با یک نسبت و همسو با دیگر اهداف نبوده و در مقابل برخی دیگر از اهداف مانند توسعه ورزش قهرمانی و ورزش حرفه‌ای و آن هم از نوع دولتی آن بیشتر مورد توجه بوده است که این امر از آسیب‌های وارد به کل ورزش کشور به‌علت رشد نامتناسب با دیگر اهداف محسوب می‌شود، زیرا توسعه ورزش و به‌خصوص دستیابی به اهداف بلندمدت در سند چشم‌انداز بیست‌ساله و سیاست‌های کلی نظام نیازمند حرکت‌های بنیادی و فعالیت‌های همه‌جانبه است که چون چنین حرکتی اصولی انجام نشده، باعث بروز برخی از ناهنجاری‌ها مانند گران شدن هزینه‌های ورزش، دلال‌بازی، بداخلاقی و صرف مبالغ فراوان و غیر ضرور در ورزش حرفه‌ای و بعضاً قهرمانی شده و در نتیجه نتایج مورد انتظار برنامه‌های پنج‌ساله به‌دست نیامده و حتی در ورزش قهرمانی نیز نتایج به دست آمده در میادین رسمی و مهم بین‌المللی مانند المپیک‌ها رضایت‌بخش نبوده است.

در بررسی آسیب‌های وارده به ورزش مشخص می‌شود که به‌رغم ایجاد تسهیلات قانونی و احکام مصوب برای خصوصی‌سازی و تقویت بخش تعاونی، اقدامات لازم در این بخش‌ها نه‌تنها صورت نگرفته است، بلکه به‌علت اتکا به اعتبارات دولتی و علاقمندی مسئولان به این اعتبارات،



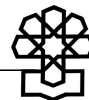
وابستگی ورزش به دولت همواره در دوران برنامه‌های پنج‌ساله بیشتر شده است و حتی احکام بند «ز» ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه مبنی بر واگذاری ۵۰ درصد فعالیت‌های ورزش قهرمانی و صد درصد ورزش حرفه‌ای به بخش خصوصی و تعاونی به مورد اجرا درنیامده که نشانگر و مؤید تمایل مدیران به هزینه از اعتبارات دولتی است و آسیب‌های جدی‌تری را در آینده همراه خواهد داشت.

همچنین در این گزارش آسیب‌های جانبی بررسی شده‌اند که از جمله می‌توان به انحصاری شدن مربیگری در ورزش به علت عدم تربیت آنان در میان و بلندمدت، وجود تشکیلات و قوانین بازدارنده برای پاسخ‌گویی مسئولان به مجلس شورای اسلامی، علاقمندی افراد سیاسی به ورود در پست‌های مدیریتی به رغم ضعف کارایی، نبود نظارت مناسب بر رسانه‌های فراوان ورزشی برای جلوگیری از سوء تبلیغات و بزرگنمایی‌های کاذب به دلیل بهره‌گیری برخی از آنان از اعتبارات دولتی و در نهایت نبود نظام جامع تربیت بدنی و ورزش کشور همسو با سند چشم‌انداز بیست‌ساله و سیاست‌های کلی نظام اشاره داشت.

در پایان با توجه به موارد آسیب‌رسان به ورزش کشور در طول سال‌های اجرای برنامه‌های توسعه و عدم اجرای برخی از اهداف، پیشنهادهایی ارائه شده است تا ان‌شاءالله در آغاز تدوین برنامه پنجم توسعه مورد توجه قرار گیرد.

مقدمه

به دلیل اهمیت فراوان ورزش در سلامت و نشاط جامعه و آثار مثبت و سازنده آن در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی و اقتصادی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و در چهار برنامه توسعه دولت، همواره این مقوله مورد توجه خاص قرار گرفته و سعی شده است با شناخت وضعیت موجود و نقاط قوت و ضعف و عوامل اثرگذار درونی و بیرونی، سیاست‌گذاری لازم در این بخش صورت گیرد و اهداف خاصی در جهت پیشبرد آن تعیین و با پشتیبانی‌های قانونی، مالی و تسهیلاتی، راه دستیابی به اهداف مصوب هموار شود. البته گام‌های مؤثری نیز برداشته شده که در تطبیق با قبل از انقلاب کاملاً محسوس است، لکن در حد انتظار و امکانات تأمین شده نبوده است. از آنجا که حوزه فعالیت ورزش با توجه به گستردگی تعداد استان‌ها، شهرستان‌ها و بخش‌ها، بسیار وسیع است و جمعیت جوان که مخاطبان اصلی هستند، نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند، این واقعیت محسوس است که به رغم توجهات فراوان، توسعه ورزش در حد انتظار نبوده است که بخش مهمی از دلایل، آسیب‌های وارده در جهات مختلف است. به خصوص آنکه در طول هشت سال



دفاع مقدس، اولویت‌ها باید به امور جنگ و مسائل کلیدی داده می‌شد و ورزش در این دوران نه تنها اولویت نداشت، بلکه اکثر امکانات آن نیز در اختیار جنگ قرار گرفت. لذا آسیب‌شناسی ورزش باید بدون احتساب این دوران و با توجه به چهار برنامه توسعه صورت گیرد و عملکرد آن یا اجرای نامناسب برخی فعالیت‌ها، با توجه به برنامه‌های مذکور مورد بررسی واقع شود. در گزارش حاضر با نگاهی همه‌جانبه به تربیت بدنی و ورزش کشور در قالب اهداف و سیاست‌ها، مسائل مورد بررسی قرار گرفته است تا با شناخت آسیب‌ها و با رفع آنها، مقدمه‌ای برای تدوین نظام توسعه ورزش کشور باشد.

۱. ورزش در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی ایران

در رژیم پهلوی ورزش چه از حیث تشکیلات و چه از نظر فعالیت‌ها اهمیت چندانی نداشت و همواره به‌عنوان یک مقوله فرعی مورد نظر بود. تشکیلات آن تا سال ۱۳۵۰ که قانون تأسیس سازمان تربیت بدنی به تصویب سید، با سازمان ملی پیشاهنگی سابق و وزارت آموزش و پرورش ادغام شده و با دگرگونی مستمر نیز همراه بوده است. با تصویب قانون مذکور، توجه جدی به تربیت بدنی و ورزش صورت گرفت و تا حدودی ثبات نسبی در ورزش کشور ایجاد شد. با این وصف اصولاً نگاه به تربیت بدنی و ورزش، نگاه سرگرمی و تفریح بوده و در موارد بسیاری نیز حالت تجملی داشته است. در آن هنگام امکانات ورزش بسیار کم و اکثراً به طبقات مرفه اختصاص داشت که از جمله می‌توان به انجمن سلطنتی اسب، باشگاه شاهنشاهی سابق (مجموعه ورزشی انقلاب تهران)، پیست‌های اسکی شمشک و دیزین اشاره کرد. صرفاً در سال ۱۳۵۳ به دلیل برگزاری بازی‌های آسیایی در تهران یک مجموعه بزرگ ورزشی (مجموعه ورزشی آزادی) احداث شد که آن نیز بیشتر جنبه تبلیغاتی داشت.

در اواخر آن دوران اقدامات مختصری صورت گرفت که هدف دگرگونی فرهنگی آن بیش از ورزش بود و نه تنها بر پشتوانه‌های مناسب استوار نبود، بلکه به دلیل الگوبرداری از غرب، بسیاری از مشکلات ورزشی را ایجاد کرد که به بعد از انقلاب منتقل شد و حتی بسیاری از جوانان را به علت نبود فضای مناسب فرهنگی، از ورزش دور کرد. در حالی که اکثر استان‌ها و شهرستان‌ها زمین ورزشی یا سالن و استخر نداشتند، کلوپ‌های تفریحی ورزشی و استخرهای مختلط زنان و مردان در تهران و شهرهای بزرگ توسعه می‌یافت و کل ورزش را در کشور تحت تأثیر فرهنگ غرب قرار می‌داد. در نتیجه دسترسی نوجوانان و جوانان به ورزشگاه‌ها و کلوپ‌های به ظاهر ورزشی غیرممکن شده بود و معدود علاقه‌مندان، در کوی و برزن با امکانات محدود و به صورت خودجوش



به ورزش می‌پرداختند و به جرئت می‌توان گفت که اگر معدود ورزشگاه‌ها و باشگاه‌های بزرگ قدیمی وجود نداشتند، اندک ورزشکاران قهرمان که براساس استعدادهای ذاتی پرورش یافته بودند، نیز به بار نمی‌آمدند. در واقع کلوپ‌های ورزشی که محل شرط‌بندی و تفریح و قمار بودند، هر سال بیشتر می‌شدند که عواقب آن به انقلاب اسلامی انتقال یافت و باعث رکود ورزش (برای مدتی به علت ضرورت دگرگونی و سیاست‌گذاری‌های نوین برپایه اصول و ارزش‌های اسلامی) شد تا علاوه بر جلوگیری از سوءاستفاده از ورزش برای تغییر ارزش‌ها بر پایه فرهنگ غربی، زمینه پایه‌ریزی اصولی ورزش کشور فراهم شود.

بنابراین می‌توان مدعی بود که یکی از آسیب‌های جدی وارد شده به ورزش کشور، در ارتباط با بنیان غلط و ضد ارزشی آن در قبل از انقلاب بوده است که تبعات فراوان آن به بعد از انقلاب رسیده و باعث صرف زمان و اعمال تغییرات لازم برای اصلاح و داشتن ورزشی سالم و مؤثر شده است و متأسفانه هنوز هم برخی از فرصت‌طلبان مترصد فرصت برای انجام فعالیت‌هایی مانند گذشته هستند که هوشیاری مسئولان را می‌طلبد.

۲. ورزش پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران

پس از پیروزی انقلاب مشکلات دیگری نیز متوجه ورزش شد که ناشی از جنگ تحمیلی بود. زیرا بسیاری از نیروهای متعهد و متخصص ورزشی ضرورتاً به دفاع مقدس پرداختند و اکثر ورزشگاه‌های مناسب بحق در خدمت جنگ قرار داشتند. ضمن آن‌که اوضاع اقتصادی نیز مانع از تمایل جوانان به ورزش کردن شده بود. کم‌تجربگی و اعمال سلیق نامناسب برخی از مسئولان وقت و به تصویب رساندن بعضی سیاست‌های نادرست مانند جلوگیری از قهرمان‌پروری یا تخریب برخی از امکانات و سرمایه‌های فیزیکی، رکود خاصی را در ورزش ایجاد کرد که باعث فاصله بیشتر جوانان از ورزش و فراگیری فنون و مهارت‌های ورزشی شد و در واقع پشتوانه‌های ورزشی منفعل ماندند. به همین دلیل نیز تعداد معدود مربیان و دست‌اندرکاران منزوی شده و به کسب‌وکار دیگری پرداختند، لذا آموزش‌های فنی متوقف شد و به تبع آن مسابقات ورزشی اعم از داخلی و برون‌مرزی که انگیزه پرداختن به ورزش قهرمانی نیز محسوب می‌شوند، متوقف شد. از این رو در پیشرفت‌های علمی ورزش، خلأ و عقب‌ماندگی صورت گرفت و این در حالی بود که دیگر کشورها با سرعت روزافزون به حرکت‌های خود ادامه داده و فاصله را هر سال بیشتر می‌کردند که شاهد آن، ناکامی‌ها در میدانی بین‌المللی مهم مانند المپیک است که زمان و امکانات و تدابیر فراوانی را می‌طلبد تا قادر به کم کردن فاصله‌های مذکور شویم.



بنابراین پس از پیروزی انقلاب اسلامی دو عامل را می‌توان در آسیب‌شناسی ورزش ملاک دانست که یکی ناشی از جنگ تحمیلی و خارج از اختیار بوده و دیگری کم‌تجربگی مدیران، اعمال سلیقه و نبود سیستم برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری مناسب است که به تدریج پس از اتمام جنگ و شروع برنامه‌های پنج‌ساله، خوشبختانه وضعیت مناسبی پیدا کرد و تا حد زیادی جبران شد، لکن در اجرای برنامه‌ها با کاستی‌هایی مواجه بود که باعث شد تا نتایج مورد انتظار حاصل نشود. در ذیل به شرح هر یک از برنامه‌های دولت پرداخته می‌شود تا آسیب‌شناسی دقیقی صورت گیرد و با شناخت ضعف‌ها و رفع آنها زمینه پیشرفت ورزشی بیشتر فراهم شود:

الف) ورزش در برنامه اول

برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور نقطه عطفی در توجه و رسیدگی برای توسعه ورزش محسوب می‌شود. در این برنامه نقاط قوت و ضعف و عوامل تأثیرگذار بر ورزش تا حد زیادی شناسایی شد و برپایه جمعیت جوان کشور و عوامل اجتماعی، حقوقی و اقتصادی مشکلات و تنگناها مورد بررسی قرار گرفت. بر آن اساس اهداف کمی و کیفی و سیاست‌های ورزشی و نیز برنامه‌های اجرایی مشخص شد که عمده آنها با توجه به وضع موجود و عملکرد گذشته بخش ورزش به شرح ذیل خلاصه می‌شود:

- حاکم ساختن ارزش‌های اسلامی در فعالیت‌های ورزشی.
- شناساندن اهمیت ورزش به عنوان یک نیاز اساسی.
- بارور کردن اوقات فراغت اقشار جامعه از طریق ورزش.
- ایجاد زمینه مناسب شناسایی و پرورش و شکوفایی استعدادها و ورزشی.
- فراهم کردن زمینه آموزش و تحقیقات ورزشی برپایه پیشرفت‌های نوین جهانی.
- ارتقای سطح دانش فنی نیروهای انسانی در بخش ورزش کشور.
- ارتقای سطح مهارت‌های فنی و تخصصی رشته‌های مختلف ورزشی.
- جلب مشارکت و همکاری بخش غیردولتی.
- توجه به ورزش بانوان که در حالت بلاتکلیفی و انزوا قرار داشت.
- توجه، احیا و توسعه ورزش‌های سنتی، بومی و محلی.
- توجه و توسعه امکانات ورزشی جانبازان و معلولان.
- توجه ویژه به همگانی کردن ورزش از طریق توسعه امکانات ورزشی کم‌هزینه و زودبازده.
- توجه خاص به ورزش دانش‌آموزان و توسعه کانون‌های ورزشی مدارس.

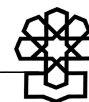


- ایجاد مکان‌های ورزشی در پارک‌ها با کمک و هماهنگی شهرداری‌ها.
- حمایت از تولیدکنندگان داخلی وسایل ورزشی و ایجاد زمینه خودکفایی آنان.
- حفظ و نگهداری اماکن ورزشی موجود و بهره‌گیری مطلوب از ظرفیت‌های بالقوه.
- سامان‌دهی و توسعه برنامه‌های آموزشی و تبلیغات برای تشویق و آگاهی عموم و نیز ایجاد زمینه ورزش کردن همه افراد جامعه.

ملاحظه می‌شود که سیاست‌ها و اهداف بخش تربیت بدنی و ورزش در برنامه اول به‌خوبی شناسایی و پایه‌ریزی شده که بیانگر آسیب‌ها و اشکالات و نواقص قبلی نیز بوده است. از اقدامات بسیار مؤثر دولت برای اجرای اهداف تربیت بدنی و ورزش، توجه ویژه به اعتبار این بخش در سال ۱۳۶۸ و متعاقب آن در سال‌های بعد بوده است. این امر باعث شد تا پروژه‌های عمرانی جدیدی براساس نیازها شروع شوند و علاوه‌بر آن توجه عموم مسئولان و مردم را به ورزش جلب کند و بسترسازی برای جبران عقب‌ماندگی‌ها صورت گیرد. از جمله حرکت‌های مهم که در برنامه اول صورت گرفت و در برنامه دوم نیز ادامه داشت، احیای قانون باشگاه‌های ورزشی در سال ۱۳۶۹ بود که به‌دلایل مختلف ملغی شده بود. ضمن آنکه ایجاد دبیرستان‌های ورزشی و آموزشکده تربیت بدنی از دیگر اقدامات مهم بود. با سیاست‌گذاری صورت گرفته، مسابقات ورزشی که تقریباً تعطیل شده بود، راه‌اندازی شد و در مواردی نیز ورزشکاران در مسابقات بین‌المللی حضور پیدا کردند. مجوز به‌کارگیری مربیان خارجی نیز صادر شد. به‌تدریج تبلیغات ورزشی و توسعه رسانه‌ها آغاز شد و در واقع در ورزش کشور در برخی از زمینه‌ها جهشی صورت گرفت. لکن به‌رغم تعیین اهداف و سیاست‌ها، در برخی از امور مهم مانند آموزش و تحقیقات ورزشی و توسعه بیشتر دبیرستان‌های ورزش و ورزش بانوان و همگانی کردن آن توجه قابل ملاحظه‌ای صورت نگرفت و به‌جای اولویت دادن به این فعالیت‌ها که پایه اصلی ورزش هستند، بیشتر به ورزش‌های قهرمانی پرداخته شد که آسیب آن به‌دلیل نبود بنیاد صحیح، اکنون متوجه ورزش کشور شده است و اصلاح نیازمند سال‌ها برنامه‌ریزی و اجرای مناسب خواهد بود.

ب) ورزش در برنامه دوم

برنامه دوم در واقع ادامه فعالیت‌های برنامه اول محسوب می‌شود. در این برنامه ساخت‌وسازها بیشتر و زمینه‌های مناسبی برای توسعه ورزش ایجاد شد که از مهم‌ترین آنها، تصویب ماده قانونی (ماده ۶۷) در قانون برنامه دوم بود که به‌موجب آن از هر نخ سیگار عوارضی اخذ می‌شد و در اختیار تربیت بدنی و ورزش قرار می‌گرفت. ضمن آنکه یک درصد از درآمد شرکت‌ها نیز به ورزش اختصاص می‌یافت. این اعتبارات سبب توجه بیشتر به ورزش جانبازان و معلولان، ورزش بانوان،



ورزش مدارس، ایجاد اماکن کم‌هزینه و زودبازده در سطح کشور شد، ضمن آنکه در توسعه ورزش قهرمانی و همگانی نیز نقش مهمی ایفا می‌کرد.

از دیگر ویژگی‌های برنامه دوم، تصویب یک ماده قانونی برای تأمین اعتبار خرید و واگذاری زمین‌های ورزشی با کاربری ورزش از طریق وزارت مسکن و شهرسازی و واگذاری آن برای ایجاد پروژه‌های ورزشی به سازمان تربیت بدنی بود. (ماده ۶۸) که هرچند اعتبارات پیش‌بینی شده به‌طور کامل اختصاص پیدا نکرد، لکن اقدام مناسبی برای رفع نیاز احداث پروژه‌ها از یک‌سو و بلا تکلیفی صاحبان زمین با کاربری ورزشی از سوی دیگر به‌شمار می‌رفت. این ماده قانونی و اعتبارات آن در برنامه سوم حذف شد و درآمد حاصل از عوارض سیگار و یک درصد درآمد شرکت‌ها نیز مطابق برنامه دوم ادامه نیافت که خود یکی از آسیب‌های وارده به ورزش در برنامه سوم محسوب می‌شود. زیرا اعتبارات حاصل از مواد قانونی مذکور براساس آیین‌نامه و ضوابط خاصی در جهت رسیدن به اهداف و به‌صورت قانونمند و قابل نظارت و ارزیابی توزیع می‌شد و در ضمن قابل برنامه‌ریزی برای هر یک از اهداف تعیین شده براساس سهمیه در ابتدای سال بود. (ورزش‌های بانوان، جانبازان و معلولان، مدارس، قهرمانی و ساخت‌وسازها) هرچند که در برنامه‌های بعدی بخشی از اعتبارات یاد شده از طریق تبصره‌های قانون بودجه جبران شد ولی توزیع و برنامه‌ریزی آن به‌صورت ذکر شده نبود و ارزیابی آن نیز با مشکل مواجه شد.

یکی از نقاط قوت برنامه دوم در بخش ورزش و تربیت بدنی، اختصاص ردیف‌های مشخص در قوانین بودجه برای کمک به هیئت‌های ورزشی (ردیف ۱۲۸۵۰۳)، فدراسیون‌های ورزشی (۱۲۸۵۰۴) و نیز کمک به ساخت اماکن ورزشی خصوصی بود که این ردیف‌ها در برنامه سوم حذف شد. در حالی که در صورت ادامه می‌توانست آثار مفیدی را در توسعه ورزش قهرمانی و تعیین تکلیف هر فدراسیون و هیئت در ابتدای سال داشته باشد و در ضمن بخش خصوصی را نیز تشویق به سرمایه‌گذاری برای ایجاد اماکن کم‌هزینه می‌کرد. اکنون کمک‌های یاد شده به ورزش قهرمانی نیز در قالب برنامه‌های سازمان تربیت بدنی صورت می‌گیرد، لکن شفافیت و کارایی لازم را مانند قبل و در قالب داشتن ردیف مستقل ندارد که این خود نیز نوعی آسیب اعتباری ورزش قهرمانی محسوب می‌شود. از دیگر ویژگی‌های برنامه دوم توسعه، توجه به ورزش کارگران و دانشجویان و اختصاص ردیف‌های مستقل اعتباری برای امور عمرانی و جاری در جهت همگانی کردن ورزش بود. ضمن آنکه ورزش روستاییان نیز در این برنامه مورد نظر قرار گرفت و برای فعالیت‌های ورزش روستایی اعتباراتی تأمین شد.

ساخت چند ورزشگاه بزرگ برای ورزش‌های مادر و پایه شامل: دو و میدانی، ژیمناستیک و شنا و نیز ساخت استادیوم‌های ورزشی ۲۵ هزار نفری و ۱۵ هزار نفری (۱۵ استادیوم) در مراکز



برخی از استان‌ها و همچنین ساخت ۲۸ باب پایگاه ورزش قهرمانی برای انجام امور علمی ورزش، و ۲۸ مکان برای جانبازان و معلولان و همچنین افزایش اعتبارات کمیته ملی المپیک و احداث آکادمی ملی المپیک، از جمله برنامه‌ها و اقدامات مؤثر برای توسعه ورزش قهرمانی و رفع کاستی‌ها در برنامه دوم بود. لکن متأسفانه به‌رغم تأکید بر اجرای پروژه‌ها در کوتاه و میان‌مدت، به دلایل مختلف و از جمله عدم تأمین اعتبار مناسب و نیز افزایش کار، زمان اجرای بسیاری از پروژه‌ها طولانی شد که این نیز از آسیب‌های وارده برای ورزش قهرمانی محسوب می‌شود.

ج) ورزش در برنامه سوم

در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، با تأکید بر چند محور اساسی به‌عنوان سیاست‌های استراتژیک بخش تربیت بدنی و ورزش، علاوه بر ادامه اجرای اهداف برنامه‌های قبلی، توجه ویژه‌ای به این بخش صورت گرفت. سیاست‌های اصلی برنامه مزبور مشتمل بر موارد زیر بود:

۱. سامان‌دهی نهادها و دستگاه‌های ورزشی به‌منظور ایجاد وحدت رویه در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و ارتقای کمی و کیفی فعالیت‌های دستگاه مذکور.
۲. کاهش تصدی دولت در امر ورزش از طریق واگذاری امور به بخش خصوصی و تعاونی.
۳. عمومی کردن ورزش به‌ویژه برای نوجوانان، جوانان و زنان.
۴. علمی کردن فعالیت‌های تربیت بدنی و ورزش از طریق توسعه و تقویت آموزش و تحقیقات.
۵. ارتقای سطح تخصصی نیروی انسانی بخش تربیت بدنی و ورزش.
۶. توجه به ورزش قهرمانی در سطوح داخلی و بین‌المللی در رشته‌های مستعد از طریق نهادینه کردن تربیت بدنی و ورزش مدارس، دانشگاه‌ها، مراکز آموزش عالی و نیز تقویت فدراسیون‌ها و انجمن‌ها و هیئت‌های ورزشی.
۷. زمینه‌سازی و تقویت ورزش حرفه‌ای از طریق سامان‌دهی باشگاه‌های ورزشی و نیز ایجاد تعاونی‌ها و تقویت بخش خصوصی با ایجاد تسهیلات مناسب.

به‌طوری که ملاحظه می‌شود، در برنامه سوم با اجرایی شدن برخی از استراتژی‌های دو برنامه قبلی، سیاست‌های مشخص به‌نحوی تعیین شد که در صورت اجرای مناسب آن، گام‌های مؤثر برای رشد و توسعه ورزش برداشته می‌شد. ضمن آنکه مشارکت تمامی دست‌اندرکاران را نیز به همراه داشت و به‌تدریج ورزش قهرمانی در جهت خصوصی شدن گام برمی‌داشت. در این برنامه هرچند فعالیت‌هایی برای اجرای سیاست‌های مذکور صورت گرفت، لکن در برخی از زمینه‌ها مانند حرفه‌ای شدن ورزش یا امور آموزش و پژوهش‌های ورزشی یا اجرای فعالیت‌ها از طریق ایجاد تعاونی‌های ورزش حرکت‌های زیربنایی صورت نگرفت. از این رو به‌نوعی برخی حرکت‌های



غیراصولی انجام گرفت و باعث بروز مشکلاتی شد که حل آن به برنامه چهارم توسعه منتقل شد. یکی از نقاط قوت برنامه سوم در مورد تربیت بدنی و ورزش، تعیین راهکارهای اجرای اهداف و سیاست‌های فوق‌الاشاره بود که به تصویب هیئت وزیران نیز رسید. لکن به‌رغم آن همان‌طور که ذکر شد، راهکارهای تعیین شده به‌صورت کامل عملیاتی نشد. زیرا در اجرای آن دولت موظف بود، ظرف مدت یک سال طرح جامع ورزش را با تکیه بر سیاست‌های یاد شده تدوین و به تصویب رساند که در نهایت به‌طور ناقص در سال‌های آخر برنامه تهیه شد و از آنجا که دارای نقاط ضعف نیز بود، در دولت بعدی برای اجرا مورد توافق واقع نشد و اکنون نیز منفعّل مانده است. لذا در آسیب‌شناسی از ورزش، عدم اجرایی شدن طرح جامع ورزش از نکات مهم است. زیرا تمامی استراتژی‌های برنامه در قالب راهکارهای اجرایی مذکور پیش‌بینی شده بود. در این خصوص لازم به ذکر است که به‌جای تهیه «طرح جامع ورزش کشور» که حکم قانونی برنامه سوم محسوب می‌شد، سندی تحت عنوان «سند راهبردی نظام جامع ورزش کشور» تهیه و به تصویب هیئت وزیران رسید، که آن هم راهگشا نبود و در واقع طرح مورد تأکید برنامه، تهیه نشده بود.

د) ورزش در برنامه چهارم

سیاست‌های ورزش در برنامه چهارم توسعه، همان سیاست‌های برنامه سوم است که چون کاملاً اجرایی نشده بود به این برنامه منتقل گردید. یکی از نقاط ضعف اصلی برنامه چهارم در مورد ورزش آن است که به‌رغم عدم تهیه و تصویب «طرح جامع ورزش کشور» که قرار بود در برنامه سوم تهیه شود، صرفاً به استناد «سند راهبردی نظام جامع ورزش کشور» که آن نیز مورد قبول بسیاری از خبرگان و کارشناسان نیست و به تصویب مجلس شورای اسلامی نیز نرسیده است، در برنامه چهارم به آن تأکید و مواد ورزشی برنامه چهارم بر آن اساس به تصویب رسیده است. بنابراین با توجه به مفاد برنامه مذکور، ملاحظه می‌شود که پیش‌بینی‌های لازم در زمینه رشد و توسعه ورزش از قبیل افزایش سرانه فضاهای ورزشی، رشد و توسعه ورزش همگانی، رشد و توسعه ورزش مدارس، دانشگاه‌ها و بانوان، توسعه ورزش قهرمانی، حرفه‌ای شدن ورزش و ایجاد زمینه‌های مورد نیاز از قبیل تهیه و واگذاری زمین برای ایجاد تعاونی‌های ورزشی و باشگاه‌ها و غیره صورت گرفته است. ضمن آنکه تکلیف به خصوصی شدن فعالیت‌های ورزش حرفه‌ای به میزان صد درصد در طول برنامه چهارم در قالب بند «ز» انجام پذیرفته است. لکن با نگاهی به عملکرد این حکم قانون برنامه چهارم، ملاحظه می‌شود که بیشتر در زمینه ساخت‌وسازهای ورزشی و اجرای بند «ب» برنامه مذکور دایر بر اختصاص یک درصد از اعتبارات دستگاه‌های اجرایی به ورزش، عملکرد مثبت



بوده و دیگر بندهای مصوب، در حد انتظار اجرایی نشده است.

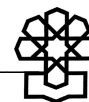
شاید بتوان گفت که یکی از دلایل عدم اجرای خصوصی‌سازی ورزش و نیز توسعه نامناسب ورزش حرفه‌ای، وجود بند «ب» برنامه چهارم است که به دلیل در اختیار قرار دادن اعتبارات مناسب به دستگاه‌های اجرایی، اتکا به دولت را بیشتر کرده و ورزش حرفه‌ای و قهرمانی به جای خصوصی شدن، دولتی شده است که این از آسیب‌های جدی به ورزش کشور محسوب می‌شود.

۳. موارد اصلی آسیب‌دیدگی ورزش کشور

با عنایت به اهداف و سیاست‌های تعیین شده در چهار برنامه پنج‌ساله دولت، ملاحظه می‌شود که در این برنامه‌ها توجهات ویژه‌ای به کاستی‌های ورزش و رفع آنها برای توسعه صورت گرفته و برحسب نیازها و عملکردها هر یک از برنامه‌ها، اهداف و استراتژی‌های جدیدی در برنامه بعدی تدوین و تصویب شده است. لکن در اجرا به برخی از اهداف کم‌توجهی شده و فعالیت‌های برخی دیگر با افراط توأم بوده است. نتیجه اینکه برنامه‌های کلان ورزشی در قالب برنامه‌های توسعه کشور به خوبی و در جهت پیشرفت مورد توجه قرار گرفته و تدوین و تصویب شده است، لکن به درستی اجرا نشده و باعث آسیب‌رسانی به کل ورزش شده است که اختصاراً به نارسایی‌های آن اشاره می‌شود:

الف) عدم توجه کافی به همگانی کردن ورزش

با در نظر گرفتن نقش بسیار مهمی که همگانی شدن ورزش در زمینه سلامت، ایجاد نشاط و شادابی و پر کردن مطلوب اوقات فراغت برای آحاد مردم دارد و تأثیر و حاصل آن نیز به توسعه ورزش قهرمانی و در نتیجه به حضور مناسب در فعالیت‌های بین‌المللی می‌انجامد، همان‌طور که ذکر شد، در چهار دوره برنامه‌ریزی‌های توسعه کشور، این مهم نیز مورد توجه بوده است، به خصوص در برنامه‌های سوم و چهارم، اعتبارات مناسبی برای دستیابی به اهداف آن به تصویب رسیده است. اولاً متأسفانه تاکنون زمینه مناسب برای ورزش کردن همه اقشار جامعه با هزینه کم فراهم نشده و دسترسی به امکانات ورزشی در حد مطلوب میسر نشده است. در حالی که اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر رایگان بودن تربیت بدنی تأکید دارد و علاوه بر آن جز ۱ و ۲ بند «الف» ماده (۱۵۵) قانون برنامه سوم، بر گسترش عدالت اجتماعی و فراهم کردن استفاده عادلانه اقشار مختلف جامعه از کالا و خدمات ورزشی توجه کرده است و بند «الف» و



«ب» ماده (۱۵۶) برنامه مذکور نیز بر استفاده از توانمندی‌های شوراهای اسلامی شهر و روستا در انجام امور ورزشی و بند «و» ماده (۱۶۳) این برنامه، بر اعتلای جایگاه مساجد و مدارس در فعالیت‌های ورزشی و ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم نیز بر توسعه ورزش همگانی تأکید داشته است که بیانگر توجه ویژه به همگانی کردن ورزش است.

هرچند گام‌هایی در این زمینه برداشته شده است، لکن تغییر تشکیلات ورزش همگانی کشور نشان از آن دارد که تعریف و نقش این ورزش برای تصمیم‌گیران روشن نبوده و تشکیلات مذکور در طول سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی، همواره با تغییرات مستمر توأم بوده است و ایجاد فدراسیون ورزش‌های همگانی نیز در عمومی کردن ورزش موفق نبوده و این تشکیلات به دلیل جاذبه‌های ورزش قهرمانی، بیشتر به آن سمت سوق یافته و از درون آن، فدراسیون‌های دیگری منشعب شده است.

لذا در بیان آسیب‌های جدی ورزش کشور، می‌توان به کم‌توجهی به ورزش همگانی و بسنده کردن به برخی از فعالیت‌های مقطعی برای مردم و بهره‌گیری تبلیغاتی از آن اشاره داشت که نیازمند قاطعیت و نظارت بیشتر مسئولان است و قطعاً در صورت توجه مناسب و برنامه‌ریزی شده، عمومی کردن ورزش در میان مدت امکان‌پذیر بوده و زیربنای توسعه ورزش کشور نیز فراهم خواهد شد.

ب) عدم توجه کافی به ورزش‌های روستایی، بومی و محلی

بخش قابل توجهی از جمعیت کشور در روستاها ساکن هستند که بنابر اقلیم‌های مختلف و برحسب ضرورت دارای بازی‌ها و ورزش‌های خاص خود هستند. با ورود ورزش‌های جدید، ورزش‌های بومی و محلی که ریشه در فرهنگ کشور نیز دارند، به تدریج جای خود را به ورزش‌های جدید سپردند و به علت عدم توجه مسئولان در قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران، هر سال این ورزش‌ها بیش از پیش به فراموشی سپرده شدند. در حالی که در برنامه‌های پنج‌ساله، جزئی از اهداف، «توجه به ورزش‌های بومی و محلی» و احیا و توسعه آن بوده است. عدم توجه به ورزش‌های مذکور باعث از بین رفتن تدریجی انگیزه در جوانان روستاها شد و در واقع پشتوانه ورزشی کشور کاهش پیدا کرد. خوشبختانه در برنامه چهارم توسعه ورزش‌های روستایی و عشایری مورد نظر قرار گرفته است و با توجه مناسب دولت و مجلس محترم شورای اسلامی، در قالب قوانین بودجه برنامه و اعتبارات خاصی برای آن منظور شده است تا برای ایجاد زیرساخت‌ها، از قبیل زمین ورزشی، سالن ورزشی و تجهیزات مورد نیاز و همچنین فعالیت‌های مناسب برپایه احیا و توسعه ورزش‌های روستایی و عشایری اقدام شود و در این زمینه اقدامات مناسبی نیز در طول برنامه چهارم صورت



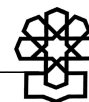
گرفته که بستر فعالیت‌های مناسب بعدی خواهد بود که این از اقدامات مؤثر سازمان تربیت بدنی محسوب می‌شود. لکن چون این توجهات صرفاً در سال‌های اخیر انجام پذیرفته است و نتایج آن در سال‌های آتی به دست خواهد آمد، نمی‌توان از عدم توجه سالیان متمادی به ورزش‌های مذکور چشم‌پوشی کرد که خود از آسیب‌های اصلی وارد شده به کل ورزش کشور در زمینه پشتیبان‌سازی، احیا و نیز اثربخشی در ورزش همگانی و قهرمانی است و نیاز است که در این زمینه حمایت‌های ویژه‌ای صورت گیرد.

ج) کم‌توجهی به ورزش دانش‌آموزی

ورزش دانش‌آموزی اهمیت ویژه‌ای برای بخش عظیمی از جمعیت جوان کشور، از ابعاد مختلف تربیتی، اجتماعی و سالم‌سازی جامعه دارد و پشتوانه مناسب توسعه ورزش در سطح کلی محسوب می‌شود. ولی به‌رغم این اهمیت و نیز توجه کافی در برنامه‌های دولت و هدف‌گذاری‌های لازم، متأسفانه در سال‌های پس از انقلاب اسلامی ایران متناسب با جمعیت دانش‌آموزی به این موضوع پرداخته نشده است. ضمن آنکه تشکیلات ورزشی وزارت آموزش و پرورش در قبل و بعد از انقلاب همواره دچار دگرگونی‌های مختلفی شده که بیشتر متوجه مدیریت‌های فوقانی بوده و بهای لازم به آن داده نشده است. لذا تشکیلات میانی تحت تأثیر دگرگونی‌های مذکور واقع شده و کارایی لازم را نداشته است.

ورزش مدارس با کمبودهای اصولی مواجه است که مهم‌ترین آنها کمبود معلم ورزش و به‌خصوص در مقاطع ابتدایی است که یادگیری و شخصیت بیشتر در این مقطع شکل می‌گیرد. هرچند پس از انقلاب اسلامی، تا حدودی تعداد معلمین ورزش با افزایش توأم بوده است، ولی به نسبت دانش‌آموزان صورت نگرفته و علاوه بر آن اکثر معلمین موجود از تخصص کافی برخوردار نیستند. ضمن آنکه توجه مسئولان و مدیران بیشتر به دیگر دروس معطوف بوده و به ورزش دانش‌آموزان با نگاه غیرجدی و تفننی نگرسته شده است.

ورزش مدارس دارای کاستی‌های فراوانی در زمینه امکانات فیزیکی، اماکن ورزشی در حد نیاز (به‌خصوص در شهرهای بزرگ) که خود مانع از دستیابی به اهداف بوده است. البته در طول سال‌های برنامه‌های کلان، گام‌هایی برداشته شده است و شاخص‌های کمی تا حدودی رشد داشته‌اند، ولی این میزان کافی نبوده است و از حیث کمی و کیفی، مدارس کشور با مشکل جدی در زمینه ورزش دانش‌آموزان مواجه هستند. بنابراین ضروری است با حمایت‌های مناسب تحولی اساسی در ورزش مدارس ایجاد شود تا با رفع کاستی‌های موجود که از اساسی‌ترین آسیب‌های ورزش کشور محسوب می‌شود، زمینه توسعه مناسب ورزش کشور نیز فراهم و نشاط و



سلامت بیشتر در جامعه ایجاد گردد و پشتوانه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای و درنهایت بین‌المللی در میان و بلندمدت از طریق ورزش دانش‌آموزان صورت گیرد.

د) نامناسب بودن نظام باشگاه‌داری

امروزه باشگاه‌های ورزشی با هدف تربیت ورزشکار، ایجاد انگیزه برای جذب جوانان به ورزش قهرمانی و ایجاد شور و نشاط در جوامع از طریق برگزاری رقابت‌های ورزشی تشکیل شده و اهمیت دارند. درواقع باشگاه‌های ورزشی تأمین‌کننده ورزشکاران نخبه برای کشور خود محسوب می‌شوند و عامل رسیدن به افتخارات بین‌المللی ورزشی و بازوهای مؤثر و توانای فدراسیون‌ها و هیئت‌های ورزشی هستند.

به‌علاوه سهم عمده‌ای در علمی کردن ورزش و توسعه آن داشته و می‌توانند باعث توسعه امور آموزشی و پژوهشی در دانشگاه‌ها و مراجع تحقیقاتی شوند. همچنین با توجه به نقش و سهم آنها به‌عنوان بنگاه‌های اقتصادی، در ایجاد مشاغل دائمی، کاهش بار دولت در انجام امور تصدی از قبیل: تبلیغات ورزشی، استعدادیابی، جذب سرمایه‌گذاری‌ها و مشارکت مردمی و در نتیجه درآمدزایی در سطوح ملی و استانی با اهمیت شناخته می‌شوند.

متأسفانه وضع باشگاه‌داری در کشور نامناسب است و به‌جای توسعه باشگاه‌های خصوصی شاهد افزایش رو به رشد باشگاه‌های دولتی هستیم که در طول برنامه چهارم به‌دلیل امکان تأمین اعتبار از کل اعتبارات بند «ب» ماده (۱۱۷) مبنی بر اجازه هزینه یک درصد از اعتبار دستگاه‌های اجرایی برای ورزش بیشتر شده است. ضمن آنکه گرانی زمین، عدم اجرای قوانین تسهیل‌گر برای ساخت باشگاه‌ها، پرهزینه بودن ساخت اماکن ورزشی و تجهیز آنها، عدم حمایت مناسب از تعداد کم باشگاه‌های واقعی موجود از گذشته، عدم حمایت از اتحادیه باشگاه‌های ورزشی و ادامه حمایت از باشگاه‌های دولتی باعث شده تا باشگاه‌های خصوصی بزرگ ایجاد نشوند و امکان رقابت برای این باشگاه‌ها با باشگاه‌های دولتی میسر نشود. لذا یقیناً این نوع باشگاه‌داری (دولتی) که آنها نیز بیشتر به تیم‌داری می‌پردازند، هرچند علی‌الظاهر رونقی به ورزش قهرمانی می‌دهند، با این وصف کارشان اصولی نبوده و از آسیب‌های ورزش کشور محسوب می‌شوند.

از سوی دیگر، باشگاه‌داری دولتی، سبب شده تا واسطه‌گری در ورزش با استفاده از بودجه دولتی باشگاه‌ها و تیم‌ها رونق فراوان یابد که این خود باعث گرانی ورزش و ورزشکار شده است و زمینه ایجاد فساد در ورزش را نیز فراهم آورده است و آسیب جدی دیگری به ورزش قهرمانی در کوتاه و میان‌مدت خواهد رساند.

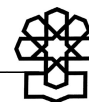


هـ) نبود نظام ورزش حرفه‌ای

در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ در قالب بند «ج» تبصره «۷» قانون بودجه کل کشور، دستگاه‌های اجرایی مجاز به هزینه یک درصد از اعتبارات جاری و تملک دارایی‌های سرمایه برای امور ورزشی یا کمک به فدراسیون‌ها، باشگاه‌ها، سازمان تربیت بدنی و کمیته ملی المپیک شدند. هدف قانونگذار در این زمینه حفظ سلامت و ایجاد نشاط و شادابی در کارکنان و افزایش بازده کاری بوده است. لکن به دلیل عدم مطالعات قبلی و نظارت مسئولان و نبود قانون اجرایی لازم، اعتبارات حاصل از تبصره‌های مذکور بیشتر به سوی تیم‌داری و خرید و فروش بازیکن معطوف شد و شرکت‌های بزرگ صنعتی با اتکا به اعتبارات هنگفت ناشی از یک درصد اعتبار مذکور، بیش از دستگاه‌های دیگر به تیم‌داری، به خصوص در رشته فوتبال پرداختند و مفاد این تبصره پایه‌گذار ورزش حرفه‌ای بدون مطالعات و قانونمندی و آن هم برخلاف دیگر کشورها از محل اعتبارات دولتی شد.

در برنامه چهارم توسعه مفاد تبصره فوق‌الذکر به این برنامه تسری یافت و موضوع در قالب بند «ب» ماده (۱۱۷) برای مدت پنج سال شکل قانونی گرفت و به تدریج ورزش حرفه‌ای از محل اعتبارات دولتی توسعه بیشتری پیدا کرد و متعاقب آن مشکلاتی را از حیث ایجاد پدیده دلال‌بازی خرید و فروش خارج از ضوابط بازیکنان، مسائل پشت پرده قراردادها، بحث ایجاد هواداران و هدایت نامناسب آنان و ایجاد خودباوری غیرمنطقی در بازیکنان به اصطلاح حرفه‌ای و غیره ایجاد شد. هرچند در بند «ز» ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه تکلیف شده است تا پایان سال اجرای برنامه مذکور ورزش حرفه‌ای به میزان صد درصد خصوصی شود، متأسفانه این قانون اجرایی نشده و صرفاً به بند «ب» که منافع مادی در پی دارد و آن هم به صورت نامناسب عمل شده است.

بنابراین ملاحظه می‌شود که ورزش حرفه‌ای به رغم نام آن، بیشتر به صورت دولتی در کشور اداره می‌شود و همین امر سبب شده تا باشگاه‌های خصوصی بزرگ و واقعی که باید به ورزش حرفه‌ای بپردازند به علت عدم توان رقابت با باشگاه‌های دولتی منفعل بمانند و باعث شود تا ورزش قهرمانی در حد انتظارات جامعه در میدین رسمی و مهم بین‌المللی مانند المپیک و آسیایی رشد نداشته باشند و حتی رشته فوتبال که هزینه‌های زیادی را برای این نوع باشگاه داشته است، در بازی‌های باشگاه‌های آسیایی (سال ۱۳۸۸) به رغم حضور چهارم تیم (استقلال، پیروزی، صبا باطری و ذوب آهن سپاهان) بسیار ضعیف حضور یابند و زود هنگام حذف شوند که خود نشانگر این نوع ورزش حرفه‌ای و خودباوری غیرمنطقی و تبلیغات نامناسب به علت سودجویی است. ضروری است در این زمینه توجهات خاص و قانونی برای جهت‌دهی مناسب ورزش حرفه‌ای کشور از طریق بخش خصوصی و در مسیر تدوین برنامه پنجم صورت گیرد.



لذا با توجه به ضعف عملکرد ورزش حرفه‌ای در کشور که متکی به اعتبارات دولتی است و به همین دلیل دلسوزی و دقت لازم در هزینه‌ها اعمال نمی‌شود و رقابت واقعی که لازمه پیشرفت است، در آن وجود ندارد، می‌توان این نوع حرفه‌ای‌گری در ورزش را یکی از علل اصلی و آسیب جدی ورزش دانست که با تعاریف موجود نیز سازگاری نداشته و در مقایسه با دیگر کشورها به هیچ عنوان اصولی و قابل مقایسه نیست.

و) ضعف در امور پژوهشی و تحقیقات ورزشی

یکی از عوامل مهم و پراهمیت در توسعه و پیشرفت‌های علمی ورزش، بها دادن و انجام فعالیت‌های پژوهشی و تحقیقاتی مختلف و اجرای آخرین یافته‌های علمی در تمرینات و مدیریت و امور اجرایی ورزش است. متأسفانه به‌رغم اهمیت موضوع تا سال ۱۳۷۹ توجه جدی به این امر نشد و بعضاً تحقیقاتی بنا به علاقه برخی از صاحب‌نظران صورت می‌گرفت. در این سال با تأمین اعتبار در قالب قانون بودجه یا موافقت‌نامه‌های دستگاه‌های ذی‌ربط و آن هم نه به میزان قابل توجه، به این مهم توجه و حرکت‌های مقدماتی در سازمان تربیت بدنی و کمیته ملی المپیک و دانشکده تربیت بدنی شروع شد. لکن به‌علت گسست بین مراکز علمی دانشگاهی با دستگاه‌های اجرایی ورزش، تحقیقات و پژوهش‌های صورت گرفته در حد انتظار و کاربردی نبود و اثربخشی مناسبی را در مرحله اجرا نداشته است. در سال‌های اخیر با امکانات پژوهشی ایجاد شده در سطوح علمی متنوع و مختلف، در بخش ورزش نیز، پژوهش‌های ورزشی در جهت کیفی و ارتقای علمی، گام‌های مناسبی را برداشته است، لکن کافی نبوده و ضروری است تا در ارتباط با مسئولان ورزشی و فدراسیون‌ها و باشگاه‌ها، پژوهش‌ها براساس نیازها انجام پذیرد و دستگاه‌های اجرایی نیز موظف به به‌کارگیری آنها در امور اجرایی ورزش شوند و از سوی دیگر نیز نظارت لازم بر این امر انجام یابد.

یکی از ضعف‌های فراروی پژوهش‌های ورزشی را می‌توان در انحصاری بودن تقریبی آن در دست تعداد کمی از اساتید و پژوهشگران دانشگاهی دانست که بیشتر نیز در زمینه‌های محدود صورت می‌گیرد و موازی‌کاری در امور نیز وجود دارد. در حالی که ورزش از تنوع علمی فراوانی برخوردار است و در زمینه‌های مختلف فنی، بهداشتی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و روانشناسی نیز قابل توجه است و امروزه کشورهای پیشرفته تمامی جوانب آن را مورد نظر قرار می‌دهند. بنابراین ضعف علمی و پژوهشی و منحصر بودن تحقیقات و پژوهش‌های ورزشی را نیز می‌توان از عوامل آسیب‌زدگی در ورزش کشور دانست. لازم است در جهت جلوگیری از موازی‌کاری و کاربردی کردن پژوهش‌ها و تحقیقات ورزشی نظام مربوطه تدوین و نظارت‌های لازم صورت پذیرد تا با رفع این نقیصه، دستیابی به پیشرفت علمی و جدید ورزشی منطبق با



پیشرفت‌های جهانی تحقق یابد. ضمن آنکه ارتباط بیشتر دستگاه‌های ورزشی با مراکز علمی و دانشگاهی برای این منظور ضروری و نیازمند توسعه در سطح دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی کشور است.

ز) نقصان تشکیلات و مدیریت ورزشی

قانون تأسیس سازمان تربیت بدنی ایران در سال ۱۳۵۰ به تصویب رسید. به تبع آن تشکیلات این سازمان که متولی اصلی ورزش کشور است نیز در این سال ایجاد شد. هرچند در طول سال‌های پس از انقلاب تشکیلات اداری آن دستخوش تغییراتی در زمینه تعداد معاونت‌ها و دفاتر و غیره شده است، لکن تشکیلات مربوط به امور اصلی ورزش و اختیارات و وظایف، تغییر چندانی نکرده است. در حالی که با گذشت قریب به ۳۸ سال و تحولات صورت یافته و نیازهای ایجاد شده، ضرورت بازنگری در قانون سازمان مذکور مشهود است، تا امکان ایجاد هماهنگی بین دیگر دستگاه‌های مرتبط با ورزش و کاهش و افزایش اختیار، به منظور جلوگیری از تداخل وظایف، موازی‌کاری، عدم مداخله در امور فدراسیون‌ها و هیئت‌های ورزشی و غیره فراهم شود و مسئولیت‌ها مشخص شده و امکان پاسخ‌گویی نیز به مجلس شورای اسلامی و دولت و مردم در مواقع خاص میسر شود.

از سوی دیگر با توجه به جاذبه‌های مختلف و فراوان ورزش، بسیاری از مدیران غیر ورزشی با وجود داشتن مشاغل دیگر، علاقه‌مند به مدیریت در ورزش شده و بسیاری از آنان با روش آزمون و خطا به مدیریت پرداخته‌اند. گرچه مدیریت تخصص‌جداگانه‌ای است و چنانچه از کارشناسان و خبرگان در اجرا استفاده شود، نتیجه‌ای مثبت در پی خواهد داشت، لکن عملاً به دلایل مختلف در ورزش جواب مناسب نداده و بررسی وضعیت مدیران ورزشی در سطوح مختلف تشکیلاتی، فدراسیون‌ها و هیئت‌ها نشانگر افراط در این زمینه است. به طوری که بسیاری از چهره‌های سیاسی و چند شغله با فرض کم‌رسانی به ورزش ورود کرده‌اند، لکن بازده مورد انتظار را نداشته است و حاصل آن پس از گذشت ۳۰ سال به‌رغم سرمایه‌گذاری‌های فراوان و افزایش اعتبارات ورزشی، در میدین پراهمیت بین‌المللی نامناسب بوده و این در حالی است که مدیران ورزشی بیش از مدیران غیرورزشی در میدین مذکور موفقیت داشته‌اند.

بنابراین با توجه به نقش بسیار مهم مدیریت در تمامی دستگاه‌های اجرایی و نیز در ساختار ورزش کشور و وجود تشکیلات نامناسب ورزشی که با عدم تغییر در سال‌های طولانی همراه بوده است، می‌توان این دو عامل اساسی را نیز از آسیب‌های مهم ورزشی در کشور محسوب کرد و نیاز است تا با نگاه جدی در این زمینه اقدام لازم صورت گیرد.



ح) کم‌توجهی به ورزش بانوان

ورزش بانوان کشور با توجه به موازین اسلامی و اخلاقی از مقولاتی است که قابل تطبیق کامل با آنچه در کشورهای غیراسلامی وجود دارد، نیست. لکن اهمیت فراوانی از ابعاد مختلف سلامت دختران و مادران و توسعه ورزش قهرمانی و مدال‌آوری‌های بین‌المللی دارد. در بازی‌های آسیایی و المپیک حدود نیمی از مدال‌ها در رشته‌های ورزشی بانوان توزیع می‌شود. همین امر باعث شده است که بانوان کشور برای حفظ ارزش‌ها در بیشتر رشته‌های ورزشی امکان حضور در میادین بین‌المللی و کسب مدال نداشته باشند و جایگاه ورزشی ایران در بازی‌های مذکور از سطح مناسب برخوردار نشود و لذا ضرورت دارد که در رشته‌های بلامانع مشکلات با رعایت اصول ارزش‌ها برطرف شوند.

فارغ از مدال‌آوری و حضور در میادین بین‌المللی، در طول چهار دوره برنامه‌های پنج‌ساله دولت، توسعه ورزش بانوان همواره از سیاست‌ها و اهداف ورزش و تربیت بدنی به‌طور جدی بوده ولی به‌رغم تأکید صورت گرفته رشد مناسبی از حیث امکانات و همگانی کردن ورزش آنان، نداشته است و صرفاً در برنامه‌های سوم و چهارم حرکت‌هایی صورت گرفته است که می‌توان آن را پایه‌ریزی فعالیت‌های مناسب بعدی به‌شمار آورد. ضمن آنکه با مطالعات مختلف و پراکنده‌ای انجام شده، زمینه حضور بانوان در رشته‌های بلامانع برای شرکت در میادین بین‌المللی تقریباً فراهم شده است که اثربخشی آن با در نظر داشتن تربیت ورزشکاران دختر که نیاز به برنامه‌ریزی میان‌مدت دارد، در آینده بروز خواهد کرد.

برای توسعه ورزش بانوان و سلامت آنان، نیاز مبرم به بسترسازی و ایجاد امکانات برای دانش‌آموزان دختر وجود دارد. زیرا این قشر از جامعه قادر نیستند مانند دانش‌آموزان پسر در کوی و برزن یا باشگاه‌های حرفه‌ای به‌صورت اصولی آموزش ببینند. به همین دلیل باید امکانات مناسب برای تأمین معلم ورزش و فضاهای مورد نیاز آنان فراهم شود. زیرا متأسفانه عملکرد این فعالیت‌ها برای دختران در مدارس بسیار ضعیف است. ضرورت تدوین راهکارهای اصولی قابل اجرا و هماهنگی و همکاری ارگان‌ها و سازمان‌های ذی‌ربط و به‌عبارت دیگر بسیج عمومی برای این منظور برای کم‌کرسانی و رفع کاستی‌های ورزشی بانوان به‌طور کامل استنباط می‌شود.

با عنایت به اینکه نیمی از جمعیت کشور را بانوان تشکیل می‌دهند و از طرفی به‌علت عدم توجه کافی به ورزش آنان در طول سال‌های انقلاب، توسعه ورزش کشور با کمبود شدید ورزشکاران زن همراه بوده است که از آسیب‌های جدی پیشرفت ورزش از ابعاد مختلف همگانی، قهرمانی و حرفه‌ای محسوب می‌شود. از طرفی این جمعیت عظیم با کمبودهای فراوان برای جذب به ورزش و حفظ سلامت خود و فرزندان مواجه هستند، لذا ضرورت دارد مسائل



داوری ورزش بانوان کشور در برنامه پنجم به نحو مطلوب برطرف شود و از اولویت‌های توسعه ورزش کشور محسوب شود.

۴. سایر عوامل آسیب‌رسان به ورزش کشور

علاوه بر عوامل اصلی ذکر شده که به‌رغم تأکیده‌های مستمر در برنامه‌های دولت به‌دلیل کم‌توجهی باعث عدم پیشرفت مناسب ورزش شده است، اجرای غیراصولی و ضابطه‌مند برخی از عوامل مذکور از قبیل توجه بیش از حد به ورزش قهرمانی یا حرفه‌ای شدن غیراصولی و توسعه باشگاه‌های دولتی، عوامل جانبی مختلفی نیز همواره به ورزش کشور آسیب وارد کرده است که فهرست‌وار به آنها اشاره می‌شود:

- عدم کامل اجرای قوانین بالاسری مانند اصل ۴۴ و اصل ۳ قانون اساسی در ارتباط با خصوصی‌سازی ورزش و نیز تربیت بدنی رایگان.
- غلبه فرایندهای سیاسی، رابطه‌گرایی در ورزش کشور و توسعه هر ساله آن.
- غلبه رویکردهای تشریفاتی و تبلیغی بر عملگرایی ملی و اکتفا به کسب مقامات نه‌چندان مهم ورزشی برای نشان دادن عملکرد مثبت مسئولان ورزشی در طول دوره‌های پنج‌ساله برنامه‌ریزی دولت.
- شکل‌گیری پدیده‌های فردگرایی و غلبه فرایندهای شخصی بر عقلانیت جمعی و در نهایت نبود استراتژی‌های بلندمدت در جهت جلوگیری از اعمال سلاقی مدیریت‌های ورزشی در ارگان‌ها و سازمان‌های مرتبط با ورزش.
- عدم حمایت لازم برای ایجاد اتحادیه باشگاه‌های ورزشی و توجه به نقش سازنده آن در هماهنگی و سیاست‌گذاری ورزش حرفه‌ای.
- ضعف مفرط در نظارت و ارزیابی صحیح به‌دلیل نبود نظام جامع ورزش کشور و در نتیجه نبود تقسیم وظایف ارگان‌های پراکنده و دست‌اندرکار ورزش.
- صرف بیشتر اعتبارات تأمین شده در جهت فعالیت‌های ورزش قهرمانی و تمایل مدیران و دست‌اندرکاران به ورزش‌های مذکور، با توجه به داشتن انگیزه‌های مختلف مادی، شهرت، سفرهای برون‌مرزی و بهره‌گیری در دیگر ورود به امور سیاسی.
- توجه بیش از حد و غیراصولی به ورزش فوتبال که ورزش‌های دیگر را تحت‌الشعاع قرار داده و علاوه بر آن باعث ایجاد پدیده‌های آسیب‌رسان مختلف از قبیل دلال‌بازی، تخلف، بالا رفتن نرخ بازیکنان شده است و در ضمن آثار منفی اجتماعی در جوانان به‌دلیل مقایسه خود با



ورزشکاران از حیث ایجاد درآمد، کرده است.

- عدم وجود ضابطه، معیار و ملاک سنجش ورزشکاران در مقایسه با ورزشکاران حرفه‌ای بین‌المللی و بزرگ‌نمایی برخی از ورزشکاران به‌عنوان ستاره‌های ورزشی، در حالی که در انطباق با ورزشکاران حرفه‌ای خارجی ستاره محسوب نمی‌شوند و این امر سبب خودباوری کاذب در ورزش کشور شده است و که حضور چهار تیم فوتبال باشگاهی در بازی‌های آسیایی سال ۱۳۸۸ و حذف زودهنگام سه تیم و در نهایت حذف تمامی چهار تیم سهمیه کسب کرده، مؤید آن است. (تیم‌های فوتبال استقلال، صبا باطری، نوب آهن سپاهان و پیروزی).

- وجود مجوزهای قانونی که باعث دولتی شدن بیشتر ورزش شده و سبب مقاومت مدیران باشگاه‌های دولتی برای خصوصی‌سازی ورزش گردیده است. این امر امکان ورود بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری و رقابت سالم و دلسوزانه را در ورزش کشور سلب کرده است و در صورت ادامه وضع موجود، مشکلات دوچندان خواهد شد.

- نبود نظام مناسب ارزیابی همه‌جانبه مدیران اجرایی در زمینه‌های مختلف تشکیلاتی، ورزشی و منطبق با شاخص‌های پیشرفت و نیز اکتفا کردن به عملکردها و موفقیت‌های موردی در ارزیابی‌ها.

- عدم بهره‌مندی از تجارب مدیران قبلی از سوی مدیران جدید در هر دوره از ریاست جمهوری و منزوی شدن کارشناسان و مسئولان قبلی که دارای تجارب مناسب در طول دوران مسئولیت بوده‌اند. این نوع تفکر باعث شده تا مدیران و خبرگان قبلی به‌جای همکاری و انتقال معلومات و نظرات، بعضاً کارشکنی و تبلیغات منفی خود را متوجه مسئولان جدید کنند.

- نبود نظارت مناسب بر رسانه‌ها و مطبوعات ورزشی به‌منظور جلوگیری از تبلیغات سوء و تقویت اطلاع‌رسانی صحیح. خاصه آنکه به‌دلیل بهره‌مندی برخی از مطبوعات از تسهیلات دولتی، سعی می‌کنند به‌جای نقدهای مناسب و سازنده، بزرگ‌نمایی‌های غیرواقعی از عملکردها صورت گیرد و ضعف‌ها کتمان شود و آسیب‌های جدی به ورزش وارد گردد.

- اولویت دادن به اعتبارات عمرانی برای سازمان تربیت بدنی و عدم تأمین اعتبار مناسب عمرانی برای وزارت آموزش و پرورش در ایجاد زیرساخت‌های فیزیکی برای دانش‌آموزان و به‌خصوص دانش‌آموزان دختر و رفع کمبودهای شدید در این زمینه که در صورت توجه باعث تحول ورزشی کشور خواهد شد.

- کمبود مربیان ورزشی کارآمد و آشنا به دانش نوین و نیز عدم اهتمام کافی به تربیت آنان در رشته‌های مختلف ورزشی.

- انحصاری شدن مربیگری در رشته‌های مرتبط با ورزش قهرمانی و به‌خصوص در ورزش



فوتبال که موجب نارسایی‌های فراوانی شده و زمینه ورود مربیان جوان را با مشکل مواجه کرده است. ضمن آنکه باعث خروج ارز از کشور برای به‌کارگیری مربیان خارجی شده است.

- قرار گرفتن تشکیلات سازمان تربیت بدنی به‌عنوان متولی ورزش کشور در سایه امنیت قانونی از حیث عدم پاسخ‌گویی به مجلس شورای اسلامی و اعمال اختیارات نمایندگان همانند دیگر وزارتخانه‌ها، به‌دلیل تشکیلات سازمانی در قالب معاونت ریاست جمهوری که نظارت مجلس را تقریباً بلااثر کرده است.

- حضور طولانی‌مدت برخی از مدیران فدراسیون‌های ورزشی به‌علت سیاسی بودن آنان و بدون داشتن کارایی مورد انتظار.

- ورود به حرفه‌ای شدن ورزش بدون داشتن ضوابط و معیارهای این ورزش و انطباق آن با تعاریف ورزش حرفه‌ای و نوع وظایف و ارتباط آن با باشگاه‌داری و حرفه‌ای بودن ورزش در دیگر کشورها از حیث سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، داشتن امکانات فیزیکی، تربیت ورزشکار و غیره و به‌خصوص آنکه با اتکا به اعتبارات دولتی، پرداختن به تیم‌داری (بیشتر در زمینه ورزش فوتبال)، اصول حرفه‌ای‌گری را در کشور با مشکل اساسی مواجه کرده و به دیگر رشته‌های ورزشی نیز آسیب رسانده است.

جمع‌بندی

ورزش کشور که در سال‌های قبل از انقلاب بیشتر جنبه تشریفاتی، تبلیغی و تفریحی داشته و از نظر فرهنگی نیز در راستای اشاعه فرهنگ غرب حرکت کرده است، به‌ناچار پس از انقلاب اسلامی ایران باید دچار تحولاتی می‌شد و این امر به بروز رکود چندساله در ورزش کشور انجامید. ضمن آنکه در طول دوران جنگ تحمیلی، اولویت‌ها در امور مربوط به جنگ متمرکز بود و اکثر امکانات ورزشی نیز در اختیار جنگ قرار داشت و به این علت نیز رکود ورزش تشدید شده است.

پس از اتمام جنگ و با شروع برنامه‌ریزی‌های پنج‌ساله دولت، ورزش نیز با اولویت برنامه‌ریزی و اجرا همراه شد. با شناخت وضع موجود و کاستی‌ها و نقاط قوت و ضعف و همچنین عوامل تأثیرگذار درونی و بیرونی، اهداف و برنامه‌های اجرایی مناسبی تعیین شدند و به تصویب رسیدند که در طول چهار دوره این برنامه‌ریزی‌ها ادامه داشته است. لکن برخی از اهداف مانند پرداختن به ورزش قهرمانی با رشد همراه بوده و به برخی دیگر مانند ورزش دانش‌آموزان، همگانی کردن ورزش، پژوهش‌های علمی یا ورزش بانوان توجه کافی مبذول نشده است. ضمن آنکه اتکا به اعتبارات دولتی و ایجاد باشگاه‌های دولتی باعث حرفه‌ای شدن ناقص ورزش در کشور شده و این



امر به منزوی شدن بخش خصوصی در ورزش منتهی شده است. در این زمینه نیز به‌رغم پیش‌بینی تمهیدات و تسهیلات لازم برای خصوصی‌سازی در ورزش، به‌خصوص در برنامه‌های سوم و چهارم به‌دلیل اتکا به منابع مالی در بند «ب» ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم موضوع تحقق نیافته و صرفاً اماکن ورزشی کوچکی مانند باشگاه‌های بدنسازی و تفریحی ایجاد شده است که نمی‌توان آنها را در زمره باشگاه‌های بزرگ و حرفه‌ای به‌شمار آورد.

عدم پاسخ‌گویی قانونی به مجلس شورای اسلامی از سوی ریاست سازمان تربیت بدنی از یکسو و عدم بازنگری در قوانین و آیین‌نامه‌های سازمان مذکور در طول سال‌های انقلاب اسلامی از سوی دیگر و نیز وجود دستگاه‌های مختلف و مرتبط با ورزش که هر یک به‌صورت مستقل عمل می‌کنند و نبود قوانین مورد نیاز با سازمان تربیت بدنی (به‌دلیل هماهنگی لازم که متولی اصلی ورزش است، ندارند)، باعث شده تا آسیب‌های فراوانی در ابعاد مختلف قهرمانی، همگانی، آموزشی و پرورشی به ورزش وارد آید. گرچه موقعیت‌هایی به‌صورت مقطعی در ورزش قهرمانی و بین‌المللی صورت گیرد، لکن به‌علت نبود پایه‌های اصلی پیشرفت براساس ضوابط خاص و هماهنگ با دیگر دستگاه‌ها نمی‌توان به آن اتکا کرد.

در طول برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، اماکن ورزشی از رشد مناسبی در سطح کشور برخوردار بوده و ظرفیت پذیرش ورزشکار بیشتر شده است که قابل قیاس با قبل از آن نیست. لکن به‌دلیل عدم برنامه‌ریزی مناسب برای واگذاری اماکن مذکور به بخش خصوصی که مورد تأکید اصل ۴۴ قانون اساسی نیز بوده و به‌رغم افزایش ظرفیت‌ها، امکان دسترسی عموم به این اماکن در حد انتظار فراهم نشده است. در واقع پرداختن به فعالیت‌های بدنی با گرانی همراه بوده و در شهرهای بزرگ نیز بیشتر متمولین قادر به استفاده از این امکانات هستند. در حالی که از این قشر نمی‌توان انتظار قهرمان شدن داشت تجربه نشان داده که اکثر قهرمانان کشور از طبقات محروم بوده‌اند که بنا به علایق و استعدادهای ذاتی قهرمان شده‌اند.

عدم اهتمام کافی به تربیت معلمان و مربیان ورزش در رشته‌های مختلف و انحصاری شدن مربیان در برخی از رشته‌های پرطرفدار به‌علت کمبودها در این خصوص، نارسایی‌هایی را برای ورزش دانش‌آموزان و گرانی روزافزون ورزش حرفه‌ای ایجاد کرده و در ضمن به‌کارگیری مربیان خارجی، باعث خروج ارز بدون کارآیی مناسب از کشور شده است. در حالی که در صورت سرمایه‌گذاری برای تربیت مربیان و معلمان ورزشی، در میان‌مدت این مشکل برطرف می‌شود. در این زمینه ضروری است تا توجه جدی به موضوع شود و حرکت‌های زیربنایی در زمینه تربیت معلمان ورزش که با کمبود شدید مواجهند و نیز مربیان مختلف در برنامه پنج‌ساله پنجم انجام پذیرد و از این طریق امکان ورود مربیان جوان و با انگیزه و دستیابی به دانش



نوین جهانی و رفع کمبود معلمان ورزش فراهم شود و از انحصاری شدن مربیگری و بروز پدیده‌های دلالی و فساد در ورزش حرفه‌ای که از عوامل بسیار آسیب‌رسان است، جلوگیری شود. عدم توجه کافی به ورزش‌های بومی و محلی و عشایری در سه برنامه پنج‌ساله که جمعیت کثیری را می‌توانست تحت پوشش قرار دهد و پشتوانه ورزش قهرمانی باشد و نیز عدم توجه به استعدادها در منطقه برای تربیت و شکوفایی ورزش نواحی مختلف، از جمله عواملی است که در آسیب‌رسانی به ورزش مؤثر بوده است. گرچه در برنامه چهارم به این امر توجه و حرکت‌هایی شروع شده، لکن با کمبود اساسی همراه است و نیاز به تقویت براساس برنامه‌ها و اهداف معین دارد.

متأسفانه علاقمندی به سفرهای خارجی به بهانه حضور در مسابقات نه‌چندان مهم بین‌المللی رفته‌رفته بیشتر شده است. این سفرها باعث صرف بیشتر اعتبارات برای ورزش قهرمانی شده و دیگر ورزش‌ها مانند ورزش همگانی و روستایی را با کمبود اعتبار مواجه کرده است. ضمن آنکه اکثر اعتبارات سازمان تربیت بدنی صرف ایجاد اماکن ورزشی می‌شود. لذا نسبت مناسبی بین اعتبارات جاری و عمرانی در سال‌های برنامه‌های پنج‌ساله وجود نداشته است. به همین دلیل فعالیت‌های اصلی ورزشی در ابعاد مختلف با کمبود اعتبار مواجه بوده‌اند و ضروری است به تدریج از اعتبار عمرانی با بهره‌برداری رسیدن پروژه‌های افتتاح شده کسر و به اعتبارات جاری اضافه شود که این خود نیازمند هدف‌گذاری‌های میان‌مدت در جهت پیشرفت و توسعه ورزش است.

پیشنهادها

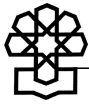
۱. با در نظر داشتن اهمیت و اثربخشی ورزش دانش‌آموزی و کمبود و کاستی‌های موجود ضروری است، چاره‌اندیشی و حمایت اساسی برای تحول در ورزش مدارس و به‌خصوص در قانون برنامه پنجم توسعه صورت گیرد تا با تأمین اعتبار مناسب و تشکیلات مورد نیاز (به‌خصوص کمبود معلم ورزش) این نقیصه آشکار در ورزش کشور، در میان و بلندمدت و در جهت تحقق سند چشم‌انداز بیست‌ساله برطرف شود.

۲. تدوین ضوابط و قوانین مورد نیاز برای احیا و توسعه ورزش‌های بومی، محلی، عشایری، ساحلی و زمستانی و تعیین وظایف هر یک از ارگان‌ها در قالب تشکیلات جدید و مصوب.

۳. واگذاری مدیریت ورزش همگانی و اعتبارات مربوطه به شهرداری‌ها و به‌خصوص در شهرهای بزرگ به‌همراه واگذاری برخی از اماکن ورزشی قابل بهره‌گیری در همگانی کردن ورزش



- به شهرداری‌ها از طریق تصویب قوانین لازمه در مجلس شورای اسلامی.
۴. تدوین و تصویب نظام ورزش بانوان برای شرکت در رشته‌های بلامانع بین‌المللی و ایجاد بسترهای لازم برای عمومی شدن ورزش در این قشر عظیم از جامعه با هماهنگی دستگاه‌ها و ارگان‌های ذی‌ربط و تصویب قوانین مورد نیاز در مجلس شورای اسلامی.
۵. تدوین نظام باشگاه‌داری و ورزش حرفه‌ای و تصویب قوانین مورد نیاز در جهت اجرایی شدن اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و حذف تدریجی اعتبارات دولتی برای این منظور (تسهیلات بند «ب» ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم) و تعیین سقف هزینه برای دستگاه‌های دولتی برای محدود شدن باشگاه‌داری دولتی.
۶. ایجاد تسهیلات بلندمدت برای بخش خصوصی و تعاونی‌های ورزشی برای توسعه باشگاه‌های خصوصی بزرگ و پیشرفت مناسب ورزش حرفه‌ای از طریق کاهش تسهیلات باشگاه‌های دولتی.
۷. تعیین سرانه ورزشی از محل اعتبارات مصوب سالیانه برای مناطق محروم و اقشار کم‌درآمد و کمک به این قشر از طریق تهیه و توزیع بن‌های استفاده از خدمات ورزشی و آموزش ورزش.
۸. تعیین ردیف مستقل در قوانین بودجه برای فدراسیون‌ها و هیئت‌های ورزشی از محل اعتبارات موجود در ردیف سازمان تربیت بدنی و به‌منظور امکان بیشتر برنامه‌ریزی و اجرا و نظارت و ارزیابی از فعالیت‌ها.
۹. بازنگری در قانون تأسیس سازمان تربیت بدنی در جهت تطبیق آن با نیازهای فعلی بعد از گذشت حدود ۳۸ سال از تصویب آن به‌منظور رفع خلأها و ایجاد هماهنگی با دیگر ارگان‌های ورزشی و پاسخ‌گویی به مجلس شورای اسلامی.
۱۰. یکپارچه‌سازی اعتبارات ورزشی کشور و حذف اعتبارات مختلف و پراکنده در قوانین بودجه سنواتی جهت امکان برنامه‌ریزی در ابتدای هر سال و مشخص شدن کل اعتبارات اختصاص یافته به ورزش و افزایش امکان نظارت و ارزیابی از عملکردها.
۱۱. بازنگری و اصلاح و تکمیل سند «نظام جامع راهبردی ورزش کشور» با رویکرد بلندمدت و به‌منظور تحقق اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله و تصویب آن در مجلس شورای اسلامی.
۱۲. توجه جدی به امور پژوهشی و تحقیقات در ورزش برای آشنایی با پیشرفت‌های نوین در ابعاد مختلف علمی و ایجاد زمینه لازم در برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه و دقت در عدم انحصاری شدن تحقیقات ورزشی به‌منظور بهره‌گیری از امکانات بالقوه کشور در این زمینه.



منابع و مآخذ

۱. قوانین برنامه‌های پنج‌ساله اول، دوم، سوم و چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.
۲. قانون تأسیس سازمان تربیت بدنی.
۳. اساسنامه فدراسیون‌ها و سازمان تربیت بدنی.
۴. قوانین بودجه
۵. سند راهبردی نظام جامع ورزش.
۶. گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در زمینه وضعیت ورزش دانش‌آموزان، ورزش همگانی و باشگاه‌داری.



شماره مسلسل: ۹۷۹۵

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: آسیب‌شناسی نظام ورزش کشور (۱)

نام دفتر: مطالعات فرهنگی (گروه جوانان و تربیت بدنی)

تهیه و تدوین: ابوالفضل خورشیدی

همکار: مهدی ادیبان

ناظر علمی: حسین رضی

متقاضی: علی لاریجانی (رئیس مجلس شورای اسلامی)

سرپرستار: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی:

۱. ورزش مدارس

۲. چشم‌انداز

۳. تربیت بدنی

۴. ورزش همگانی

۵. ورزش حرفه‌ای

۶. باشگاه‌های ورزشی

۷. خصوصی

۸. قهرمانی

تاریخ انتشار: ۱۳۸۸/۵/۲۰